



2

Vol. 12
Summer 2026

Research Paper

Received:
2025/08/14
Revised:
2025/10/05
Accepted:
2025/10/06
Published:
2026/08/23
P.P: 11-34ISSN: 2783-1914
E-ISSN: 3092-7765

State Studies of Contemporary Iran

Decreasing US-China competition in West Asia and the possibility of the Islamic Republic of Iran's activism to redefine regional alliances

Kianosh Payfar *¹ | Mehdi Hedayati SHahidani ² | Seyed Amir Niakoe ³

Abstract

Over the past decade, the impact of the US-China rivalry on it is undeniable; now, at the trans-regional level, the arenas of confrontation between the US and China have expanded to various other regions, and the West Asian region has witnessed a gradual decrease in the presence of the two in this region; the Islamic Republic of Iran, as one of the main players in this region, seeks to play an active role in shaping new security and political alliances by utilizing its domestic and regional capacities. This research, using a descriptive-analytical method and utilizing library and documentary resources, has examined Iran's behavioral patterns in the form of Iran's activism in the region. The research findings show that Iran has succeeded in creating a level of regional convergence through strengthening political-security alliances and initiatives such as the Peace of Hope Plan, reducing tensions with Saudi Arabia, developing economic and cultural cooperation, and supporting the resistance discourse, which has led to doubt and a gradual decrease in the effective presence of the US and a slowdown in China's influence in security areas.

Keywords: Alliance building, new developments, West Asia, Iranian activism, Iranian geopolitical influence.

1. Corresponding Author: PhD Student, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Email: keanoshpayfar@gmail.com

2. Associate Professor of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

3. Associate Professor of International Relations, Department of Political Science and International Relations, Faculty of Literature and Humanities, University of Guilan, Rasht, Iran.

Cite this Paper: Payfar, K; Hedayati SHahidani, M; Niakoe, S.A (2026). Decreasing US-China competition in West Asia and the possibility of the Islamic Republic of Iran's activism to redefine regional alliances. *State Studies of Contemporary Iran*, 2(12), 11–34. Doi: [10.47176/irsj.2026.1368](https://doi.org/10.47176/irsj.2026.1368)

Publisher: Imam Hussein University

© Authors



This article is licensed under a [Creative Commons Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/) (CC BY 4.0) .



کاهش رقابت آمریکا و چین در منطقه غرب آسیا و امکان کنشگری جمهوری اسلامی ایران برای بازتعریف اتحادهای منطقه

کیانوش پای فر^{۱*} | مهدی هدایتی شهیدانی^۲ | امیر نیاکوئی^۳

چکیده

در طول یک دهه گذشته تأثیر رقابت آمریکا و چین بر آن انکارناپذیر است؛ حال در سطح فرامنطقه ای عرصه های تقابل آمریکا و چین به مناطق مختلف دیگر گسترش یافته و منطقه غرب آسیا شاهد کاهش تدریجی حضور این دو در این منطقه بوده است؛ جمهوری اسلامی ایران به عنوان یکی از بازیگران اصلی این منطقه، در پی آن است تا با بهره گیری از ظرفیت های داخلی و منطقه ای، نقش فعالی در شکل دهی به اتحادهای امنیتی و سیاسی جدید ایفا کند. در این شرایط جمهوری اسلامی ایران با تکیه بر جایگاه ژئوپلیتیکی منحصربه فرد، پیوندهای ایدئولوژیک و منافع مشترک امنیتی با برخی بازیگران منطقه ای سعی در تقویت نفوذ خود و بازتعریف اتحادهای امنیتی منطقه در جهت تحقق منافع ملی خود می باشد. این پژوهش با روش توصیفی-تحلیلی و بهره گیری از منابع کتابخانه ای و اسنادی، به بررسی الگوهای رفتاری ایران در قالب کنشگری های ایران در منطقه پرداخته است. یافته های تحقیق نشان می دهد که ایران از طریق تقویت ائتلاف های سیاسی-امنیتی و ابتکاراتی مانند طرح صلح امید، کاهش تنش با عربستان، توسعه همکاری های اقتصادی و فرهنگی، و حمایت از گفتمان مقاومت، موفق به ایجاد سطحی از همگرایی منطقه ای شده که منجر به تردید و کاهش تدریجی حضور مؤثر آمریکا و کند شدن روند نفوذ چین در حوزه های امنیتی شده است.

کلیدواژه ها: اتحادسازی، تحولات نوین، غرب آسیا، کنشگری ایران، نفوذ ژئوپلیتیکی ایران.

۱. نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران. Email: keanoshpayfar@gmail.com
۲. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.
۳. دانشیار روابط بین الملل، گروه علوم سیاسی و روابط بین الملل، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه گیلان، رشت، ایران.

استناد: پای فر، کیانوش؛ هدایتی شهیدانی، مهدی؛ نیاکوئی، سید امیر، (۱۴۰۵). عنوان مقاله کاهش رقابت آمریکا و چین در منطقه غرب آسیا و امکان کنشگری جمهوری اسلامی ایران برای بازتعریف اتحادهای منطقه، **دولت پژوهی ایران معاصر**،

(۱۲) ۲، ۳۴-۱۱. Doi: [10.47176/irsj.2026.1368](https://doi.org/10.47176/irsj.2026.1368)



مقدمه و بیان مسئله

تحولات ژئوپلیتیکی قرن بیست و یکم به ویژه در منطقه غرب آسیا، شاهد بازتعریف نقش و جایگاه قدرت های منطقه ای و فرامنطقه ای بوده است. در حالی که ایالات متحده آمریکا به عنوان بازیگری سنتی، طی دو دهه گذشته حضور نظامی و سیاسی پررنگی در این منطقه داشته، نشانه هایی از کاهش تدریجی این حضور به چشم می خورد. در مقابل، جمهوری خلق چین با تمرکز بر نفوذ اقتصادی و زیرساختی، تلاش دارد جایگاه خود را در غرب آسیا تقویت کند. در چنین شرایطی، جمهوری اسلامی ایران با درک فضای نوظهور قدرت در منطقه، به دنبال ایفای نقش فعالی در فرایند اتحادسازی منطقه ای برای مقابله با نفوذ این دو قدرت فرامنطقه ای است. این مقاله در پی آن است تا با تمرکز بر راهبردهای ایران برای ایجاد همگرایی منطقه ای، به این پرسش پاسخ دهد که «کنشگری ایران چگونه در راستای کاهش نفوذ آمریکا و چین در غرب آسیا صورت می گیرد؟» اهمیت این موضوع از آنجا ناشی می شود که با توجه به حاکم شدن تحولات جدید ژئوپلیتیک و نظامی بر منطقه در سال های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵، اتحادهای سیاسی-امنیتی غرب آسیا نیز دچار نوسان پذیری شدید شده اند همچنین تجاوز نظامی رژیم صهیونیستی به غزه (۲۰۲۳) و همچنین تحمیل جنگ ۱۲ روزه به جمهوری اسلامی ایران از طرف این رژیم و آمریکا باعث شد کشورهای منطقه در استراتژی های روابط خارجی خود تجدیدنظر کنند به طوری که اهداف پیمان ابراهیم عملاً به حالت تعلیق درآمده و کشورهای منطقه با دیده تردید به همکاری با آمریکا و اسرائیل می نگرند و در واقع بسیاری از کشورها به سمت چندجانبه گرایی متزلزل و اتحادهای موقت یا موضوع محور سوق یافته اند. در این میان نوع کنش ایران می تواند بر شکل گیری نظم نوین منطقه ای، جایگاه بازیگران بومی و توازن قدرت جهانی در منطقه تأثیر گذار باشد. با اتکا به مبانی نظری مرتبط با منطقه گرایی و موازنه نرم و با بهره گیری از روش توصیفی-تحلیلی، مقاله پیش رو تلاش می کند تا ضمن واکاوی اهداف، ابزارها و موانع ایران در مسیر اتحادسازی منطقه ای، تصویری جامع از وضعیت کنونی و چشم انداز آینده حضور قدرت های فرامنطقه ای در غرب آسیا ارائه دهد.

مبانی نظری پژوهش

دانشمند برجسته علوم سیاسی و روابط بین الملل بری بوزان^۱ برای اولین بار نظریه مجموعه امنیتی را در کتابی تحت عنوان «مردم، دولت‌ها و ترس» مطرح کرد، با هدف ارائه چارچوبی برای توسعه درک انتقادی از مطالعات امنیتی؛ یکی از اهداف توسعه مفهوم مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پشتیبانی از سطح منطقه‌ای به عنوان سطحی مناسب برای طیف وسیعی از تحلیل‌های امنیتی کاربردی بود. به گفته بوزان و ویور^۲، «یک مجموعه امنیتی مجموعه‌ای از واحدها است که در آن فرآیندهای اصلی امنیتی‌سازی و/یا غیرامنیتی‌سازی، یا هر دو، چنان در هم تنیده‌اند که مشکلات امنیتی را نمی‌توان به صورت جداگانه تحلیل یا حل کرد». ایده اصلی این نظریه این است که بخش‌های کلیدی فرآیندهای امنیتی‌سازی و غیرامنیتی‌سازی در نظام بین‌الملل، خود را از مجموعه‌های منطقه‌ای، متمایز و پایدارتر از فرآیندهای غیرامنیتی‌سازی در سطح جهانی، نشان خواهند داد. در واقع، از دیدگاه بوزان و ویور، مناطق اعتبار تحلیلی و حتی هستی‌شناختی دارند، اما بازیگر نیستند، بلکه نوع رابطه بین بازیگران در آن مجموعه، نوع مجموعه امنیتی (هابزی، لاکسی، کانتی) و همچنین تعریف و برداشت بازیگران از امنیت را تعیین و تعریف می‌کند. در واقع، مجموعه امنیتی منطقه‌ای، دغدغه‌ها و آرزوهای واحدهای منفرد را در بر می‌گیرد. از این نظر، امنیت واحدهای منفرد و فرآیند مداخله قدرت جهانی تنها از طریق درک پویایی‌های امنیت منطقه‌ای قابل درک است (بوزان و ویور، ۲۰۰۹: ۵۴).

تغییرات ساختاری تأثیرگذار بر مجموعه امنیتی منطقه‌ای

یکی از نکات قابل توجه در نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای، پرسش از چگونگی تغییر و تحول آن است. بوزان و ویور از مفهوم ساختارهای زیربنایی برای تحلیل این تغییرات استفاده می‌کنند. آنها معتقدند که مجموعه‌های امنیتی حالت ثابت و تغییرناپذیری ندارند و تحولات و رویدادها در داخل و خارج از مجموعه امنیتی می‌توانند سه نوع تغییر ساختاری را ایجاد کنند: **تحول داخلی**: این به تغییرات در توزیع قدرت، سیستم امنیتی، نقش بازیگران و الگوهای

1 Barry Buzan

2 Ole Weaver

دوستی و دشمنی در داخل مجموعه امنیتی اشاره دارد. **تحول خارجی:** این مورد به ورود یک دولت یا قدرت به مجموعه امنیتی اشاره دارد. به طور کلی، دگرگونی خارجی می‌تواند از طریق عوامل مختلفی رخ دهد، از جمله ورود یک دولت تأثیرگذار از خارج از مجموعه اما در حاشیه آن، که می‌تواند باعث ایجاد تغییر در درون آن شود، یا از طریق مداخله یک قدرت بزرگ جهانی در مجموعه از طریق مقایسه‌هایی که پویایی‌های داخلی مجموعه را مختل نمی‌کند و در نهایت ابرقدرت را در درون مجموعه امنیتی قرار می‌دهد. مواردی مانند ارائه تسلیحات، پشتیبانی فنی و آموزشی، یا کمک‌های استراتژیک اقتصادی و مالی از قدرت‌های بزرگ به یک یا چند واحد از مجموعه امنیتی نیز می‌تواند مؤثر باشد. **متاثر کردن مجموعه:** این فرایند به این معنی است که یک یا چند قدرت بزرگ خارجی مستقیماً در مجموعه منطقه‌ای مداخله می‌کنند، پویایی‌های امنیتی محلی را سرکوب می‌کنند و پویایی‌های داخلی مجموعه امنیتی را مختل می‌کنند. چنین نمونه‌ای می‌تواند مداخله نظامی مستقیم ایالات متحده در منطقه خلیج فارس در مقیاس بسیار وسیع باشد که پویایی‌های داخلی مجموعه امنیتی را از بین می‌برد یعنی وجود مجموعه امنیتی را از بین می‌برد. (عبدالله خانی، ۱۳۸۳: ۲۸۵).

تطبیق چارچوب نظری

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای که توسط بوزان و ویور مطرح شده است، چارچوبی برای تحلیل پویایی‌های امنیتی در سطح مناطق جغرافیایی - امنیتی ارائه می‌دهد. در این چارچوب، خاورمیانه یکی از پیچیده‌ترین مجموعه‌های امنیتی به‌شمار می‌رود که از مولفه‌های مختلف این نظریه مانند همسایگی، الگوهای دوستی و دشمنی، حضور قدرت‌های فرامنطقه‌ای،... برخوردار است از این رو چارچوب نظری فوق برای تفسیر و تحلیل موضوع در نظر گرفته شده است؛ این مسئله زمانی اهمیت بیشتری می‌یابد که روند تحولات در منطقه نیز به تحلیل اضافه می‌شوند به طوری که می‌توان گفت در سال‌های اخیر و با تغییر سیاست خارجی آمریکا در مورد غرب آسیا و همچنین حضور و رقابت با چین در این منطقه و شرق آسیا می‌توان مولفه‌های داخلی را در کنار مولفه‌های خارجی از این دست را مؤثر در تغییر ترتیبات امنیتی منطقه دانست که در آن قدرت‌های منطقه‌ای نیز در کنار قدرت‌های بزرگ به کنشگری دست می‌زنند؛ شرایط متحول و

نوظهور منطقه غرب آسیا از جمله تجاوز نظامی اسرائیل به غزه و بعد از آن جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بر علیه ایران باعث شده است اهداف پیمان ابراهیم از طرف کشورهای منطقه به حالت تعلیق درآید و همچنین در مورد نیات و اهداف آمریکا و اسرائیل تردید در زمینه حمایت امنیتی و نظامی از کشورهای منطقه تردید جدی به وجود آمده است که سبب بازنگری در روابط خارجی این کشورها شده است. در این چارچوب، ایران به عنوان یک قدرت منطقه‌ای با هدف پر کردن خلأ ناشی از کاهش حضور آمریکا و چین، سعی در بازتعریف الگوهای امنیتی و اتحادهای منطقه‌ای دارد. این فرآیند هم‌زمان با تلاش برای افزایش مشروعیت و وزن ژئوپلیتیک ایران در معماری امنیتی منطقه‌ای صورت می‌گیرد. مولفه‌های گفته شده در خصوص انطباق چارچوب نظری با موضوع تحقیق در ادامه به صورت مدل مفهومی گنجانده شده و به عنوان رویکرد تحقیق در کل پژوهش مد نظر قرار گرفته و خط سیر تحقیق را به نمایش می‌گذارد.

پیشینه پژوهش

جدول ۱. یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش

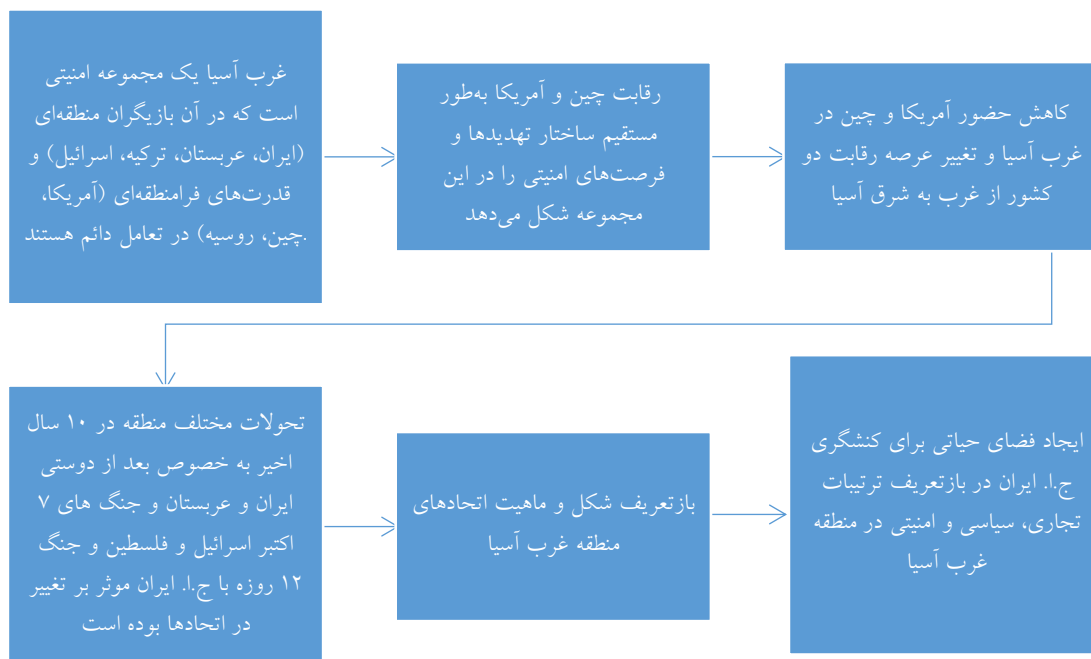
ردیف	نویسنده/ نویسندگان	عنوان	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۱	شرکا (۱۳۹۸)	سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا	کیفی و توصیفی - تحلیلی	نویسنده با تحلیل سیاست‌های کلان جمهوری اسلامی، نشان می‌دهد چگونه ایران با استفاده از مؤلفه‌هایی چون محور مقاومت، دیپلماسی فعال، و رویکرد مستقل نسبت به غرب، تلاش کرده اتحادهایی با بازیگران همسو (مانند سوریه، عراق و حزب‌الله لبنان) ایجاد کند

ردیف	نویسنده/ نویسندگان	عنوان	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۲	خانی (۱۴۰۰)	محور مقاومت و نقش آن در راهبرد منطقه‌ای ایران	کیفی و توصیفی - تحلیلی	نویسنده نتیجه‌گیری می‌کند که این محور نه تنها در مقابله با اسرائیل و آمریکا مؤثر بوده، بلکه نوعی هم‌پیمانی فراتر از مرزهای رسمی ایجاد کرده که ایران را در سطح منطقه‌ای به قدرتی مؤثر بدل کرده است
۳	سلطانی (۱۴۰۱)	رویکرد موازنه‌گرایانه ایران در قبال بازیگران منطقه‌ای خلیج فارس	کیفی و توصیفی - تحلیلی	نتیجه‌گیری می‌کند که ایران توانسته نوعی تعادل راهبردی با کشورهای عربی حوزه خلیج فارس، به‌ویژه عربستان، برقرار کند که زمینه‌ساز شکل‌گیری اتحادهای موقتی یا تاکتیکی نیز شده است
۴	(۲۰۲۰) کورسمن	قابلیت‌های نیروهای نظامی ایران در نبرد	کیفی و توصیفی - تحلیلی	این گزارش راهبردی از مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی، ساختار نیروهای نظامی ایران به عنوان بازیگری ایران و شیوه به‌کارگیری نیروهای نیابتی در منطقه را بررسی می‌کند. که از جنگ نامتقارن استفاده می‌کند، توانسته موازنه قوا را در برخی کشورها تغییر دهد.
۵	(۲۰۱۶). شولر	موازنه نرم و ساختار نوین اتحادهای بین المللی	کیفی و توصیفی - تحلیلی	طبق نظر شولر، در شرایطی که بازیگران توان یا تمایل به ایجاد اتحاد سخت ندارند، از ائتلاف‌های موضوع‌محور و موقت برای پاسخ به تهدیدات بهره می‌گیرند

ردیف	نویسنده/ نویسندگان	عنوان	روش شناسی پژوهش	مهم‌ترین یافته‌ها و نتایج مرتبط با پژوهش
۶	،(۲۰۲۵) استفان والت April (۱)	عدم تعادل خطرناک در آسیا	کیفی و توصیفی - تحلیلی	والت معتقد است اتحادها در عصر جدید باید بر پایه «هم‌افزایی موضوعی» شکل گیرند، نه تعهدات ایدئولوژیک یا الزامات سنتی. به تعبیر دیگر، همکاری‌ها موقت، موضوع‌محور و قابل تجدیدنظر خواهند بود. برای مثال، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به‌ویژه امارات و عربستان، در حال ایجاد پیوندهایی هم‌زمان با آمریکا، چین، روسیه و حتی ایران هستند؛ موضوعی که والت آن را «تاکتیک بهره‌برداری از رقابت قدرت‌های بزرگ» می‌نامد.

مدل مفهومی تحقیق

در ذیل به طور مختصر در قالب تصویر مدل مفهومی تحقیق آورده می‌شود



روش‌شناسی پژوهش

روش‌شناسی به صورت کیفی و با رویکرد توصیفی-تحلیلی تدوین شده است، همچنین این مقاله با پذیرش اینکه واقعیت‌های سیاسی و اجتماعی در زمینه‌های خاص معنا پیدا می‌کنند، بر درک تفسیرها و برداشت‌های معنادار از رفتار سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران تمرکز دارد. پژوهش از داده‌های کیفی و واقعیات سیاسی آغاز می‌شود تا به سمت شکل‌گیری مفاهیم و تبیین نظری درباره نقش ایران در اتحادهای منطقه‌ای حرکت کند؛ تمرکز پژوهش بر استفاده از منابع کیفی، تحلیل گفتمان‌ها، اسناد رسمی و متون علمی است و داده‌ها به صورت غیر عددی و تفسیرپذیر گردآوری و تحلیل می‌شوند؛

زمینه‌ها و ظرفیت‌های منطقه غرب آسیا برای کنشگری جمهوری اسلامی ایران (بعد از بیداری اسلامی ۲۰۱۱ تا کنون)

در خصوص مفروض دانستن مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا باید گفت فارغ از هر گونه برداشت و ادعایی تعاملات و همکاری‌های فعلی و بالقوه آینده بین کشورهای این مجموعه در چارچوب یک سیستم امنیتی، از یک ضرورت و نیاز مشترک ناشی خواهد شد، نه از اراده کشورهای عضو این منطقه. طبق این تفاسیر کشورهای این منطقه بخشی از یک سیستم امنیتی به هم پیوسته هستند و به عنوان یک گروه، تحت تأثیر وابستگی متقابل امنیتی خود قرار دارند. این امر بیش از هر چیز نشان می‌دهد که تنها راه مقابله با تهدیدات و چالش‌های موجود و تضمین امنیت و ثبات در منطقه، به کارگیری سازوکاری است که در آن همه کشورهای عضو، با مشارکت همه جانبه، مشارکت داشته باشند. اجرای یک سیستم امنیتی جمعی، این فرصت و امکان را برای کشورهای منطقه فراهم می‌کند. مدل پیشنهادی مبتنی بر مشارکت و مسئولیت امنیتی چندجانبه است. بر اساس این مدل، به میزانی که بازیگران منطقه‌ای نقش مؤثری در شکل‌دهی به معماری امنیتی خلیج فارس و خلیج عدن ایفا کنند، بی‌ثباتی فعلی کاهش یافته و زمینه برای ثبات منطقه‌ای فراهم می‌شود؛ سیستم‌های امنیتی تحمیلی از طرف غرب حاکم بر منطقه از دو نقص عمده رنج می‌برند. اولاً، آنها یا اتحادهایی علیه سایر کشورها (مانند ج.ا. ایران) بودند، مانند شورای همکاری خلیج فارس، یا

هژمونیک، مانند استراتژی‌های امنیتی منطقه‌ای ایالات متحده. اما باید گفت اساس یک استراتژی امنیت جمعی، پیگیری امنیت در کنار سایر کشورها است، نه علیه آنها. در این صورت، اگر همه کشورهای منطقه به تدریج در شبکه‌ای از روابط اقتصادی و نظامی امنیتی به هم پیوسته مبتنی بر وابستگی متقابل امنیتی با یکدیگر تعامل داشته باشند، آینده غرب آسیا امیدوارکننده خواهد بود (مایکل کریگ، ۲۰۰۷: ۳۱). از این رو کشورهای منطقه، علیرغم برخی اختلافات، می‌توانند مزایای مثبت همکاری و نزدیکی را برای مقابله با تهدیدها و چالش‌ها در سطح منطقه‌ای در نظر بگیرند. به این ترتیب، می‌توان مشاهده کرد که مجموعه امنیتی کشورهای عربی خلیج فارس متشکل از کشورهای است که علیرغم برخی اختلافات، نگرانی‌های مشترکی در مورد بسیاری از تهدیدها و چالش‌های منطقه‌ای دارند. منافع و نگرانی‌های مشترک کشورهای منطقه شامل ثبات منطقه‌ای، حل بحران عراق، تأمین و تضمین جریان آزاد حمل و نقل انرژی، همکاری اقتصادی و تجاری بین کشورها، مبارزه با تروریسم، مبارزه با بنیادگرایی و افراط‌گرایی، جرایم سازمان‌یافته، مهاجرت غیرقانونی، قاچاق مواد مخدر و حفاظت از محیط زیست است. که می‌تواند زمینه‌های مستحکم همکاری را در یک مجموعه امنیتی فراهم کند که در آن جمهوری اسلامی ایران با توجه به جایگاه و وزن ژئوپلیتیک و دیپلماتیک و نظامی اش می‌تواند نقش بسیار تعیین کننده در ایجاد و تقویت تریبات امنیتی و سیاسی در منطقه غرب آسیا با وضعیت کنونی داشته باشد.

تغییر سیاست‌های آمریکا از حضور مستقیم تا موازنه از راه دور پس از بیداری اسلامی

در دو دهه اخیر به دلایل مختلف در دو دهه اخیر (بعد از بیداری اسلامی ۲۰۱۰ تاکنون) کاخ سفید استراتژی کاهش حضور در منطقه خاورمیانه و غرب آسیا را در دستور کار خود قرار داده و مصادیق آن در اسناد امنیتی کاخ سفید در دوران ریاست جمهوری اوباما، بایدن و ترامپ آورده شده است که هرچند به معنای نداشتن منافع و برنامه‌های منفعت طلبانه دولت‌های آمریکا نسبت به منطقه نیست اما به وضوح چرخش سیاست خارجی آمریکا از منطقه غرب آسیا مشخص شده است که دلایل مختلفی را برای آن برشمرده اند که شامل دلایل داخلی و بین‌المللی می‌باشد؛ جان مرشایمر و استفان والت در سال ۲۰۱۶ راهبرد موازنه از راه دور را به عنوان چارچوبی برای

استراتژی سیاست خارجی ایالات متحده پیشنهاد کردند. در این خصوص، آمریکا باید تسلط خود را به نیمکره غربی معطوف دارد و از دخالت غیرضروری در سایر مناطق جهان پرهیزد. از نظر آنها، موازنه از راه دور به معنی انزوا- انفعال واشنگتن نیست؛ بلکه هدف اصلی، جلوگیری از کسب هژمونی مطلق توسط یک کشور در مناطق مختلف جهان است. آمریکا باید مطمئن شود که هیچ قدرتی در اروپا، خلیج فارس و شمال شرق آسیا، دست برتر را نسبت به سایرین پیدا نخواهد کرد (طالعی حور و عالی نسب، ۱۴۰۴: ۱۰۳) در دوران ریاست جمهوری اوباما با تکیه بر اصل مداخله مدیریت شده و بصرفه، ضمن مشارکت در پروژه ها و عملیات مبارزه با تروریسم، کوشش قابل توجهی برای دور نگه داشتن آمریکا از رویکرد مداخله جویانه و نظامی انجام داد که در چارچوب استراتژی توازن فراساحلی قابل ذکر است. اما به تدریج، موازنه هویتی اوباما در منطقه خاورمیانه کارآیی خود را از دست داده بود (میسان، ۲۰۱۹: ۴۳).

نکته حائز اهمیت در سند راهبردی کاخ سفید سال ۲۰۱۷ این است که در دوران ریاست جمهوری دولت دونالد ترامپ نیز مسئله موازنه از راه دور و احاله مسئولیت به کشورهای منطقه غرب آسیا و خاورمیانه مد نظر قرار گرفته است؛ بر این اساس، می توان استدلال کرد که سند استراتژی امنیت ملی ترامپ به دنبال دستیابی به سه هدف اصلی در خاورمیانه است که در واقع سه جنبه استراتژی موازنه فراساحلی هستند: اول، جلوگیری از تسلط قدرت های بین المللی و منطقه ای متخاصم با ایالات متحده در منطقه؛ دوم، تضمین امنیت بازار صادرات انرژی منطقه؛ و سوم، تضمین امنیت منطقه ای مطلوب ایالات متحده با بهره گیری از قابلیت های متحدان منطقه ای خود. در این چارچوب، دولت ترامپ به جای تأکید بر قدرت فرهنگی آمریکا، بر تقویت قابلیت های اقتصادی و نظامی کشور برای حفظ جایگاه برتر آمریکا در منطقه تأکید دارد. (قربانی شیخ نشین و دیگران، ۱۴۰۳: ۷۴).

تقابل تجاری-سیاسی چین و آمریکا و فرصت تثبیت جایگاه ج.ا.ایران در منطقه

رقابت های روزافزون تجاری و جنگ تعرفه ای آمریکا و چین که از سال ۲۰۱۸ آغاز شده و تا سال ۲۰۲۵ همچنان پیامدهای آن ادامه دارد، تأثیرات گسترده ای بر زنجیره های تأمین جهانی، روابط اقتصادی و سیاست منطقه ای گذاشته است. این شرایط فرصتی منحصر به فرد برای ایران فراهم کرده است تا با بهره گیری از ظرفیت های اقتصادی، انرژی و زیرساخت های استراتژیک،

نقش مؤثری در امنیت، اقتصاد و دیپلماسی منطقه‌ای ایفا کند. اختلال در زنجیره‌های تأمین جهانی و محدودیت دسترسی چین به بازارها، ایران را به یک شریک اقتصادی جایگزین برای چین تبدیل کرده است. ایران می‌تواند با گسترش صادرات نفت و گاز، توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و مسیرهای ترانزیتی، نقش خود را به‌عنوان پل اقتصادی بین شرق و غرب تقویت کند (بوئن، ۲۰۲۳: ۶). در سال ۲۰۲۳، بیش از ۸۹٪ از صادرات نفت ایران به چین ارسال شد، که نسبت به ۲۵٪ در سال ۲۰۱۷ افزایش قابل توجهی داشته است. این روند علاوه بر افزایش درآمد ارزی، باعث افزایش نفوذ ایران در زنجیره تأمین انرژی آسیا می‌شود. همچنین، توسعه بنادر، خطوط ریلی و پالایشگاه‌ها در همکاری با چین، ظرفیت ایران برای جذب سرمایه‌گذاری خارجی و انتقال فناوری را افزایش می‌دهد (کاترمن، ۲۰۲۳: ۱۳).

با محدود شدن دسترسی چین به منابع انرژی پایدار و بازارهای بین‌المللی، ایران به یک بازیگر کلیدی ژئوپلیتیکی تبدیل شده است. موقعیت استراتژیک ایران در تنگه هرمز و منابع نفت و گاز آن، نقش حیاتی در تأمین انرژی چین و کشورهای آسیایی دارد (فالتون، ۲۰۲۴: ۷). ایران می‌تواند از این وضعیت برای تقویت همکاری‌های چندجانبه با چین، روسیه و کشورهای منطقه‌ای استفاده کند و نقش خود را در امنیت انرژی و سیاست منطقه‌ای پررنگ نماید (بوستانی، ۲۰۲۴: ۱۸). از این رو جنگ تعرفه‌ای فرصتی برای ایران فراهم کرده است تا استقلال استراتژیک خود را تقویت کند و کمتر تحت فشارهای قدرت‌های فرامنطقه‌ای باشد. ایران می‌تواند با:

- کاهش وابستگی به آمریکا و سایر قدرت‌های فرامنطقه‌ای از طریق توسعه روابط دوجانبه با چین و روسیه (کاترمن، ۲۰۲۳: ۱۲).

- تقویت دیپلماسی اقتصادی و ارائه مسیرهای ترانزیتی و بازارهای جایگزین به چین و کشورهای آسیایی.

- ایفای نقش میانجی در منازعات منطقه‌ای مانند یمن، سوریه و عراق.

- بهره‌برداری از ظرفیت‌های انرژی و زیرساختی از جمله خطوط لوله، پالایشگاه‌ها و بنادر (آلفونه، ۲۰۲۴: ۷).

ایران با بهره‌برداری از این فرصت‌ها می‌تواند جایگاه خود را به‌عنوان یک بازیگر مستقل و مؤثر در سیاست و اقتصاد منطقه تثبیت کند. جنگ تعرفه‌ای آمریکا و چین و تقابل سیاسی میان دو

کشور در مناطق مختلف جهان فرصتی بی سابقه برای ایران فراهم کرده است تا با تقویت موقعیت اقتصادی، افزایش اهمیت ژئوپلیتیکی، توسعه استقلال استراتژیک و همکاری های انرژی و زیرساختی، نقش کلیدی خود را در منطقه غرب آسیا ایفا کند. بهره برداری از این فرصت ها مستلزم سیاست گذاری هوشمندانه، دیپلماسی فعال و مدیریت بهینه منابع استراتژیک می باشد.

حضور ارتش ج.ا.ا در مقابله با دزدی دریایی در منطقه خلیج فارس و خاورمیانه

حضور نظامی نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در قالب استراتژی های کلان نظام بعد از انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی همواره مورد توجه مسئولین نظام بوده است و این حضور به مرور افزایش یافته است که نقش مهمی در ایجاد امنیت در منطقه غرب آسیا و حتی اقیانوس هند داشته است؛ بطوریکه از سال ۱۳۸۷ تاکنون نزدیک به پنج هزار کشتی تجاری و نفتکش با حضور فیزیکی نیروی دریایی در منطقه در قالب تیم های اسکورت و حافظ کشتی ها و نیز ناوشکن ها دریایی در منطقه محافظت شده و در مقابل دزدان دریایی ایستادگی کردند و کشتی ها به سلامت از منطقه عبور داده شدند. توانمندی نداجا در بین کشورهایی که در خلیج عدن به اجرای مأموریت می پردازند از این جهت منحصر به فرد و استثنایی است که کشورهای دیگر این عملیات را در قالب یک ائتلاف و فرماندهی مشترک و با برخورداری از خدمات کشورهای حاشیه ای انجام می دهند اما ناوگروه های نیروی دریایی راهبردی ارتش ج.ا.ا. ایران که جهت برقراری امنیت خطوط کشتیرانی ج.ا.ا. ایران عازم منطقه خلیج عدن شده بودند متکی به مبدأ و فرماندهی مستقل بودند (ایرانی و آهنگری، ۱۳۹۶: ۲۸).

شورای امنیت نیز در قطعنامه ۱۹۵۰ مصوب ۲۳ نوامبر ۲۰۱۰ سازمان ملل متحد به طور ویژه از ج.ا.ا. ایران در راستای سرکوب دزدی دریایی و حفاظت از کشتی های آسیب پذیر ترانزیت در سواحل سومالی تقدیر و تشکر می نماید. همچنین شورای امنیت در قطعنامه ۲۰۲۰ در تاریخ ۲۲ نوامبر ۲۰۱۱ نیز از تلاش های صورت گرفته ج.ا.ا. ایران به علت استقرار ناوها و ادوات نظامی جهت مقابل با بحران دزدی دریایی در کنار کشورهای از قبیل چین، هند، ژاپن، مالزی، کره جنوبی، روسیه، یمن و عربستان قدردانی نمود. با نگاهی با بیانیه ها و تقدیرها می توان گفت اقدامات نیروی دریایی راهبردی آجا در سطح جامع بین المللی گامی در راستای تحقق تدابیر فرماندهی معظم کل

قوا و امنیت خطوط مواصلاتی جمهوری اسلامی ایران و حفظ صلح و امنیت بین المللی و همچنین افزایش بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران بوده است. بطوری که اجرای عملیات های رعد یک و رعد دو که منجر به آزادسازی کشتی ایرانی و چینی در سال ۹۱ شد بازتابهای وسیعی در سطح بین الملل داشته و ضمن نمایش آمادگی و پادروکاب بودن نیروی دریایی ارتش جمهوری اسلامی ایران در راستای مأموریت محوله، به همه قدرتهای فرا منطقه ای و جامعه جهانی، اقتدار دریایی و اراده ایران اسلامی را در حفظ و صیانت از منافع خود در هر نقطه از گیتی را اثبات کرد. شایان ذکر است به واسطه اهمیت و بازتاب گسترده این عملیات سفیر وقت چین و همراهان برای ابراز قدردانی و تشکر بر عرشه ناو عمل کننده حضور یافتند (استاجی و دیگران، ۱۴۰۲: ۱۵۵).

نزدیکی راهبردی ایران به عربستان و تاثیر آن بر کاهش نفوذ و اهمیت معاهده ابراهیم

معاهده صلح ابراهیم که در سال ۲۰۲۰ میان اسرائیل و امارات متحده عربی، بحرین، سودان و مراکش امضا شد، تلاش داشت ائتلافی عربی-عبری علیه تهدید مشترک ایران شکل دهد. اما این ائتلاف بر پایه ای ناپایدار و متغیر بنا شده بود و حمایت مردمی ضعیفی در میان ملت های عرب داشت (طله‌امی، ۲۰۲: ۲۵). رویکرد تهاجمی دونالد ترامپ نسبت به ایران و حمایت از معاهده صلح ابراهیم باعث شد برخی کشورهای عربی، از جمله عربستان، در مسیر همگرایی با اسرائیل قرار گیرند. اما با روی کار آمدن دولت بایدن، بازنگری در اولویت های امنیتی آمریکا و کاهش حضور نظامی اش در منطقه باعث شد بازیگران منطقه ای به دنبال دیپلماسی دوجانبه باشند (گاس، ۲۰۲۳: ۱۰۲). عربستان دریافت که مقابله با ایران از مسیر تقابل مستقیم ثمربخش نیست، به ویژه در سایه تهدیدات مشترک مانند بی ثباتی یمن و افزایش نفوذ چین و ابتکار عمل ایران با درک موقعیت حساس در منطقه راهبرد بهبود روابط و ایجاد زمینه های همکاری های اقتصادی و سیاسی را در دستور کار سیاست خارجی دو کشور قرار داد که در عین تقویت روابط میان دو کشور به کاهش ناآرامی های منطقه و کاهش نقش اسرائیل موثر بود. با نزدیکی ایران و عربستان، وزن ژئوپلیتیک محور ضدایرانی در منطقه کاهش یافت. عربستان که پیش تر از هر گونه عادی سازی روابط با اسرائیل سخن می گفت، موضعی محتاطانه تر اتخاذ کرد. حتی در پی درگیری های ۲۰۲۳ در فلسطین، ریاض لحن خود را علیه اسرائیل

تشدید کرد (جونز، ۲۰۲۳: ۹). در پی توافق تهران و ریاض، عربستان نه تنها گفتمان همگرایی با اسرائیل را به صورت علنی متوقف کرد، بلکه در نشست‌های متعدد منطقه‌ای بر مسئله فلسطین تأکید ویژه‌ای داشت. در نشست سران عرب در جده (مه ۲۰۲۳)، محمد بن سلمان برای نخستین بار طی سال‌های اخیر صراحتاً خواستار حمایت همه‌جانبه از حقوق ملت فلسطین شد؛ اقدامی که نشان از فاصله‌گیری از معاهده ابراهیم داشت (جونز، ۲۰۲۳: ۱۰).

از سوی دیگر، ایران نیز تلاش کرده از فضای دیپلماتیک جدید برای ایجاد ائتلاف‌های سیاسی تازه استفاده کند. وزارت خارجه ایران پس از احیای روابط با عربستان، فعالانه با قطر، کویت و عمان برای تقویت موضع منطقه‌ای در حمایت از فلسطین همکاری کرد (احتشامی و هینیه بوش، ۲۰۲۳: ۱۴۴). نزدیکی دو کشور نه تنها فضای ایدئولوژیک لازم برای عادی‌سازی را تضعیف کرده بلکه امکان یک ائتلاف عربی-اسرائیلی برای مهار ایران را نیز عملاً منتفی ساخته است.

کاهش ضرورت تشکیل ائتلاف ضدایرانی

با بهبود روابط ایران و عربستان سعودی از مارس ۲۰۲۳، این نگرانی‌ها کاهش یافته و ضرورت تشکیل چنین جبهه‌ای به طور قابل توجهی کاهش یافته است (بوستانی، ۲۰۲۴: ۱۵). تحلیل مؤسسه کارنگی نشان می‌دهد که نزدیکی ایران و عربستان موجب تغییر محاسبات راهبردی کشورهای منطقه شده و آنها اکنون ترجیح می‌دهند به جای ایجاد ائتلاف نظامی جدید، بر همکاری اقتصادی و کاهش تنش‌های مستقیم تمرکز کنند (موقوفه کارنگی، ۲۰۲۵: ۹). از این منظر، اهداف امنیتی معاهده ابراهیم که عمدتاً بر مهار ایران متمرکز بود، در مواجهه با این تحولات دچار محدودیت شده است و کشورهای امضاکننده، به ویژه کشورهای عربی، انگیزه کمتری برای تداوم فشار علیه ایران دارند. این تغییر معادله باعث شده که برخی تحلیل‌گران استراتژیک معاهده ابراهیم را بیش از پیش «ضعیف شده» از منظر ایجاد جبهه ضدایرانی ارزیابی کنند و آن را نیازمند بازنگری در چارچوب امنیتی و سیاسی بدانند. این امر باعث شده است که اهداف معاهده در خصوص مهار نفوذ ایران و محدودسازی محور مقاومت دچار تضعیف شود و چارچوب ائتلاف ضدایرانی کمتر اثربخش گردد. این تغییر رفتار به ویژه در کشورهایی مانند امارات و بحرین مشهود است، جایی که دولت‌ها ترجیح می‌دهند به جای تمرکز صرف بر اتحادهای ضدایرانی، تعادل میان روابط با

ایران و اسرائیل را حفظ کنند. نتیجه این رویکرد، کاهش انگیزه سیاسی برای پیوستن یا توسعه همکاری‌های امنیتی جدید در چارچوب معاهده ابراهیم است و اهداف امنیتی اولیه معاهده به چالش کشیده می‌شوند (بوستانی، ۲۰۲۴: ۲۲).

ظرفیت های سیاسی و دیپلماتیک ایران در قالب طرح صلح امید(هرمز)

طرح «امید» یا، در بستری ارائه شد که طی آن منطقه خلیج فارس شاهد تحولات عمیق ژئوپلیتیکی و تنش‌های فزاینده میان ایران و کشورهای عربی به‌ویژه عربستان سعودی بود. پس از خروج یک‌جانبه ایالات متحده از برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) در مه ۲۰۱۸، و آغاز کارزار «فشار حداکثری» دولت ترامپ علیه ایران، شرایط امنیتی در خلیج فارس به شدت وخیم شد. حمله به نفتکش‌ها در دریای عمان، توقیف کشتی‌ها در تنگه هرمز، و حمله به تأسیسات نفتی آرامکو در ۲۰۱۹ همه بر ضرورت ارائه یک راه‌حل منطقه‌ای برای مدیریت بحران‌ها تأکید داشتند (فالتون، ۲۰۲۰: ۵۹).

ایران با طرح در مجمع عمومی سازمان ملل در سپتامبر ۲۰۱۹، کوشید نشان دهد که به‌رغم فشارهای آمریکا، به دنبال تنش‌زدایی از مسیر گفت‌وگو است و از موضعی فعال در پی شکل‌دهی به ساختار امنیتی منطقه‌ای است. این ابتکار همچنین پاسخی به طرح‌هایی مانند «ائتلاف بین‌المللی حفاظت از دریانوردی» به رهبری آمریکا بود که ایران آن را تلاشی برای مشروعیت‌زدایی از نقش امنیتی خود در خلیج فارس می‌دانست. در قلب این طرح، ایده‌ای بنیادین از چندجانبه‌گرایی منطقه‌ای وجود دارد؛ طرح بر آن است که به جای محوریت قدرت‌های بزرگ یا پیمان‌های دوقطبی، امنیت منطقه‌ای باید از مسیر تعامل و مشارکت جمعی کشورهای منطقه حاصل شود. جمهوری اسلامی ایران تأکید داشت که امنیت نباید کالایی وارداتی باشد، بلکه باید بر مبنای گفت‌وگو، اعتمادسازی و همکاری نهادمند میان دولت‌های منطقه بنیان نهاده شود (وکیلی، ۲۰۲۰: ۱۳).

در این راستا، ایران پیشنهاد داد نشست‌های دوره‌ای وزرای خارجه کشورهای خلیج فارس، ایجاد دبیرخانه دائمی منطقه‌ای، تبادل اطلاعات در حوزه‌های امنیت دریایی، مقابله با تروریسم و مقابله با جرایم سازمان‌یافته بین‌المللی شکل گیرد. برخلاف اتحادهای نظامی سنتی که مبتنی بر موازنه قوا هستند، طرح امید به دنبال شکل‌دهی به «امنیت جمعی مشارکتی» با رویکردی نرم‌تر و دیپلماتیک بود (لینچ، ۲۰۲۰: ۷). ایران همچنین بر نقش نهادهای اسلامی و بین‌المللی منطقه‌ای چون سازمان

همکاری اسلامی یا مجمع گفت‌وگوی آسیایی در حمایت از طرح امید تأکید کرد. این ابتکار، برخلاف الگوهای مداخله‌جویانه غرب، مدلی از امنیت را ارائه می‌داد که با ارزش‌های فرهنگی و سیاسی منطقه همخوانی بیشتری دارد. طرح امید بر پایه پنج اصل بنیادین شکل گرفته است: ۱) احترام به تمامیت ارضی و استقلال کشورها، ۲) عدم توسل به زور و تهدید، ۳) حل و فصل مسالمت‌آمیز اختلافات، ۴) عدم مداخله در امور داخلی، و ۵) ترویج فرهنگ صلح و گفت‌وگو. این اصول به وضوح برگرفته از منشور سازمان ملل هستند، اما در قالبی اسلامی-منطقه‌ای بازتعریف شده‌اند تا مشروعیت محلی بیشتری داشته باشند. در بخش اهداف، ایران به دنبال ایجاد «چتر امنیتی مشترک» بود که از طریق آن، تهدیداتی چون تروریسم، دزدی دریایی، ناامنی در تنگه هرمز، و بحران‌های انسانی همچون یمن با همکاری جمعی حل شوند (فالتون، ۲۰۲۰: ۶۲). هدف نهایی، کاهش وابستگی به بازیگران فرامنطقه‌ای و افزایش ظرفیت‌های داخلی برای تأمین امنیت پایدار بود. پس از بهبود روابط ایران و عربستان در سال ۲۰۲۳ با ابتکار چین به عنوان یکی از مهمترین کشورهای خاورمیانه می‌توان گفت ظرفیت‌های منطقه‌ای موجود باعث می‌شود که اهداف این طرح به نفع نفوذ ژئوپلیتیکی ایران بینجامد و همچنین ایران را به عنوان یک مهره برجسته در رهبری اتحادهای امنیتی، سیاسی و نظامی در منطقه تبدیل کند نکته حائز اهمیت که می‌تواند این مسئله را برجسته تر کند تغییر میدان مقابله آمریکا و چین از غرب به شرق آسیا است که ناخواسته زمینه را برای کنشگری ایران محیا کرده است و می‌توان از آن به عنوان امتیازی ژئوپلیتیکی و راهبردی برای نفوذ و تعمیق نفوذ در منطقه از آن یاد کرد که می‌تواند در کنار سایر مشخصه‌های حاکم بر مجموعه امنیتی منطقه غرب آسیا باعث شکل‌گیری و بازتعریف اتحادهای مثبت و جدیدی به نفع اهداف راهبردی ایران بینجامد؛ این امر بر اساس یافته‌ها و داده‌های تحلیلی موجود در جریان بوده و قابل دست‌یابی است. دگرگونی تعاریف و ماهیت ائتلاف‌های نوین غرب آسیا بعد از تحولات سال‌های ۲۰۲۴-۲۰۲۵ تحولات ژئوپلیتیک اخیر در غرب آسیا، از جمله نزدیکی ایران و عربستان، ورود فعال چین به عرصه دیپلماسی منطقه‌ای، و نقش آفرینی قدرت‌های میانه مانند قطر و روسیه، جنگ ۱۷ کتبر اسرائیل بر علیه غزه (۲۰۲۴) و جنگ تحمیلی ۱۲ روزه بر علیه ایران (۲۰۲۵) و در نهایت تحمیل آتش بس از طرف ایران بر اسرائیل و آمریکا، معیارها و محاسبات حاکم بر اتحادها و ائتلاف‌ها در منطقه را به شدت دگرگون کرده است؛ این تغییرات باعث شکل‌گیری فضای سیاسی و اقتصادی شده است که می‌

تواند ظرفیت های مهم و نوینی را برای اتخاذ یک سیاست خارجی مبتنی بر منفعت ملی و واقعگرا را در اختیار ایران قرار دهد؛ در این فضای نوین اتحادهای سنتی بر پایه تضادهای ایدئولوژیک مانند جبهه ضدايران به رهبری عربستان در سال های پس از ۲۰۱۱ در حال واگرایی هستند. مصالحه تهران-ریاض (۲۰۲۳) نشان داد که اولویت دولت های منطقه، نه در استمرار تقابل های مذهبی یا ایدئولوژیک، بلکه در کاهش هزینه های امنیتی، جذب سرمایه و مدیریت بحران های داخلی است (اینترنشنال آفایر، ۲۰۲۴: ۲). این رویکرد جدید از منطق «امنیت جمعی بر پایه منافع مشترک» تبعیت می کند، نه «دشمن مشترک». بر همین اساس نیز با توجه به تغییر در ماهیت اهداف قدرت های تاثیرگذار بر اتحادهای منطقه غرب آسیا و مانند آمریکا، روسیه و چین، ائتلاف های جدید منطقه ای به جای آنکه ساختاری، بلندمدت و انحصاری (غرب محور) باشند، به شکل شبکه های متقاطع و چندبعدی درمی آیند. کشورهایی مانند امارات و قطر هم زمان با اسرائیل، ایران، آمریکا و چین روابط برقرار کرده اند و در قالب ترتیبات موضوع محور، مانند همکاری در فناوری، انرژی، یا میانجی گری بحران ها ایفای نقش می کنند (گاردین، ۲۰۲۵: ۱). این نوع اتحادها تابع اصل «هم افزایی منافع» هستند نه تعهدات استراتژیک کلاسیک. در این بین زمینه عملیاتی شدن موازنه نرم به جای موازنه سخت نظامی فراهم شده است که به عنوان یکی از ویژگی های اصلی اتحادهای جدید است. در این میان چین، به جای ایجاد پایگاه نظامی، از طریق سرمایه گذاری، انتقال فناوری، ساخت بندر و خط آهن و میانجی گری سیاسی، به موازنه سازی در برابر غرب و آمریکا اقدام می کند (آی اس پی آی، ۲۰۲۵: ۶). ایران نیز با بهره گیری از ظرفیت های اقتصادی و دیپلماتیک مانند توافق ۲۵ ساله با چین و همکاری فضایی با روسیه، ائتلاف های غیرنظامی اما استراتژیک شکل داده است (ای پی نیوز، ۲۰۲۵: ۱). در این زمینه می توان گفت طبق نظر شوولر، در شرایطی که بازیگران توان یا تمایل به ایجاد اتحاد سخت ندارند، از ائتلاف های موضوع محور و موقت برای پاسخ به تهدیدات بهره می گیرند (شوولر، ۲۰۱۶: ۹۱).

سیال شدن اتحادهای امنیتی-سیاسی غرب آسیا بعد از تحولات بعد از بیداری اسلامی یکی از ویژگی های کلیدی اتحادهای سیال در غرب آسیا، وابستگی هم زمان و چندلایه بازیگران منطقه ای به قدرت های فرامنطقه ای رقیب است. این وابستگی، نه در قالب اتحادهای سنتی دوجانبه یا ائتلاف های ثابت، بلکه در چارچوبی منعطف، غیرانحصاری و فرصت محور قابل ارزیابی است؛

کشورهای منطقه برای افزایش امنیت یا نفوذ خود، به‌طور هم‌زمان از چند قدرت خارجی بهره‌برداری می‌کنند و این چندجانبه‌گرایی فرصت‌طلبانه، از مؤلفه‌های اصلی سیالیت اتحادها در به‌شمار می‌رود که برخاسته از ماهیت حاکم بر امنیت منطقه‌ای در این جغرافیایی سیاسی جهان است که ریشه در تاریخ معاصر این کشورها دارد. یکی از نشانه‌های بارز سیالیت اتحادها در غرب آسیا طی سال‌های اخیر، تقدم منافع موضوع‌محور بر ائتلاف‌های مبتنی بر ارزش‌های مشترک یا همسویی ایدئولوژیک است. در این چارچوب، کشورها به‌جای اتکا به اتحادهای سنتی مبتنی بر مذهب، قومیت یا بلوک‌بندی‌های ارزشی، در پی همکاری‌های تاکتیکی برای حل مسائل مشخصی همچون امنیت انرژی، مبارزه با تروریسم، یا توسعه فناوری هستند. ناین سیالیت نوین تا حدی همه‌گیر و مورد استفاده کشورهای منطقه شده است که برای نمونه می‌توان گفت عربستان سعودی، در حالی که روابط سنتی خود با آمریکا را حفظ کرده، همکاری‌های گسترده‌ای با چین در حوزه انرژی و سرمایه‌گذاری آغاز کرده است، و در عین حال، کانال‌های امنیتی با روسیه در بحران سوریه را باز نگه داشته است (آی‌ای‌پی‌آی، ۲۰۲۵: ۶). ایران نیز با استفاده از همکاری‌های فضایی و نظامی با روسیه (پرتاب ماهواره ناهید-۲ در ژوئیه ۲۰۲۵) و سرمایه‌گذاری‌های چینی در قالب قرارداد ۲۵ ساله، موازنه‌ای غیرمستقیم در برابر تحریم‌ها و فشارهای غربی ایجاد کرده است (ای‌پی‌نیوز، ۲۰۲۵: ۱).

بر این اساس می‌توان گفت برخلاف اتحادهای ساختاری و نهادی سنتی که دارای سازوکارهای رسمی، تعهدات بلندمدت و چارچوب‌های حقوقی مشخصند، بیشتر ائتلاف‌های سیال کنونی به‌خصوص در چند سال اخیر (بعد از بیداری اسلامی در سال ۲۰۱۰) در بستر بحران‌های مشخص مانند جنگ یمن، منازعات غزه، یا تنش‌های ایران-عربستان شکل گرفته‌اند؛ بدون تشکیل سازمان یا ساختار نهادی مشخص، به صورت موقت و هدفمند عمل می‌کنند؛ پس از فروکش کردن بحران، یا تغییر شرایط منطقه‌ای، به سرعت تضعیف یا حتی فروپاشیده می‌شوند. این وضعیت ناپایداری، ماهیت سیال و موقتی اتحادها را تشدید می‌کند و از تبدیل آن‌ها به ائتلاف‌های پایدار و نهادی جلوگیری می‌کند (گاردین، ۲۰۲۵: ۱). در نظریه روابط بین‌الملل، این وضعیت را می‌توان نمونه‌ای از «ائتلاف‌های واکنشی» و «موازنه نرم واکنشی» دانست که بازیگران به‌جای سرمایه‌گذاری در ساختارهای نهادی، صرفاً برای مقابله با تهدیدات خاص و موقتی وارد همکاری می‌شوند و این امر سبب شکل‌گیری اتحادهای سیال و موقتی می‌گردد (شولر، ۲۰۱۶: ۹۵). در

خصوص تغییر ماهیت و مولفه های اتحادها و ائتلاف های منطقه غرب آسیا استفان والت بر این باور است که دوران اتحادهای سنتی، مطلق و مبتنی بر حمایت بی قید آمریکا به سر آمده است و اکنون واشنگتن باید بر اساس منافع متقابل و رفتار مسئولانه متحدان خود، روابط را بازتعریف کند. وی در مقاله ای در سال ۲۰۲۵ می نویسد که «جهان به طور خطرناکی به سوی بی تعادلی در حال حرکت است» و این بی تعادلی صرفاً مختص آسیا نیست، بلکه در خاورمیانه نیز با تغییر الگوی رفتار قدرت های منطقه ای مانند عربستان سعودی، اسرائیل و ایران، قابل مشاهده است (والت، ۲۰۲۵: ۳). همچنین والت معتقد است اتحادها در عصر جدید باید بر پایه «هم افزایی موضوعی» شکل گیرند، نه تعهدات ایدئولوژیک یا الزامات سنتی. به تعبیر دیگر، همکاری ها موقت، موضوع محور و قابل تجدیدنظر خواهند بود. برای مثال، کشورهای حاشیه خلیج فارس، به ویژه امارات و عربستان، در حال ایجاد پیوندهایی هم زمان با آمریکا، چین، روسیه و حتی ایران هستند؛ موضوعی که والت آن را «تاکتیک بهره برداری از رقابت قدرت های بزرگ» می نامد؛ والت در مقاله خود هشدار می دهد که در نبود تعادل روشن میان قطب ها، کشورها تمایل دارند از اتحادهای رسمی فاصله بگیرند و به جای آن، ترتیبات انعطاف پذیر و مبتنی بر مصلحت را دنبال کنند؛ ترتیباتی که نوعی «موازنه نرم» به جای موازنه سخت را شکل می دهند (والت، ۲۰۲۵: ۵).

نتیجه گیری و پیشنهادها

یافته های این پژوهش نشان می دهد که کنشگری جمهوری اسلامی ایران در غرب آسیا با هدف ایجاد اتحادهای منطقه ای و کاهش نفوذ قدرت های فرامنطقه ای، عمدتاً بر سه محور کلیدی استوار بوده است: تنش زدایی با همسایگان، ابتکارهای صلح آمیز منطقه ای، و بهره گیری از ظرفیت نهادهای اسلامی. نخست، تنش زدایی با کشورهای عربی منطقه، به ویژه در روابط با عربستان سعودی، امارات متحده عربی و بحرین، در سال های اخیر به عنوان یک راهبرد محوری در دستور کار سیاست خارجی ایران قرار گرفته است. احیای روابط دیپلماتیک، کاهش لفاظی های تقابلی، و گسترش همکاری های اقتصادی و امنیتی دوجانبه، بخشی از این تلاش ها بوده اند که به تقویت فضای گفت و گو و کاهش شکاف های سیاسی و کاهش تاثیرات معاهده ابراهیم و تضعیف جایگاه اسرائیل کمک کرده اند. دوم، طرح صلح هرمز (ابتکار امید) که در سال ۲۰۱۹ توسط ایران پیشنهاد

شد، نشانگر رویکرد جدید ایران برای مدیریت امنیت منطقه‌ای با محوریت کشورهای درون منطقه‌ای و بدون مداخله قدرت‌های خارجی است. هرچند این طرح با استقبال محدودی روبرو شد، اما به مثابه نشانه‌ای از تغییر در رویکرد ایران به جایگاه خود در معماری امنیتی منطقه، اهمیت نظری و نمادین دارد. همچنین کنشگری ایران در مقابله با تهدیدات امنیتی گروه‌های تروریستی و دزدان دریایی سبب مشروعیت نفوذ ایران در منطقه و اعتمادسازی میان کشورهای عربی منطقه شده است. سوم، استفاده از سازمان همکاری اسلامی به عنوان بستری برای دیپلماسی چندجانبه، تلاش ایران برای همسوسازی دیدگاه‌ها با کشورهای مسلمان در موضوعات کلیدی مانند فلسطین، مقابله با اسلام‌هراسی و امنیت منطقه‌ای را تقویت کرده است و در واقع با کاهش تاثیر معاهده ابراهیم و حضور کمرنگتر آمریکا در منطقه باعث رشد گفتمان اسلامی - عربی در منطقه شده است که در ارتقاء جایگاه راهبردی ایران بسیار موثر بوده است. اگرچه رقابت‌های ایدئولوژیک در درون این سازمان پابرجاست، اما ایران کوشیده است از آن به عنوان ابزاری نرم برای مشروعیت بخشی به مواضع خود بهره ببرد. موضوع بسیار مهم در یک دهه اخیر در خلال تحولات سیاسی و نظامی منطقه به خصوص حمله نظامی اسرائیل به غزه در سال ۲۰۲۳ و تجاوز نظامی به ایران در سال ۲۰۲۵ با پشتیبانی آمریکا و متعاقب آن دفاع همه جانبه و سخت ایران از مرزها و پاسخ‌های کوبنده موشکی و پهپادی متناسب و در نهایت تحمیل آتش بس از طرف ایران بر اسرائیل و آمریکا سبب بازتعریف از مفاهیمی مانند اتحادها، بازدارندگی، تکیه بر امنیت دسته جمعی، ... شده است و در این بین بار دیگر مسئله عدم اطمینان بخشی تعهدات و همکاری‌های غرب با کشورهای منطقه در خصوص اتحادهای نظامی و تردید به نیت آمریکا و کشورهای غربی در دفاع از کلیت نظام‌های سیاسی منطقه و در عین حال اثبات قدرت موشکی و بازدارندگی ایران در منطقه باعث شده است که ایران بتواند به عنوان یک شریک و متحد تاکتیکی و حتی استراتژیک برای ایجاد ترتیبات امنیتی و نظامی در منطقه تبدیل شود این امر پس از ناکامی اسرائیل در عملی کردن اهداف پیمان ابراهیم شدت بیشتری گرفت زیرا پس از حمله گسترده نظامی اسرائیل به غزه تقریباً تمامی کشورهای عربی و ترکیه تمامی تعهدات و توافقات مربوط به آن را معلق کرده و به طور کلی با دیده تردید به آن می‌نگرند و در عین حال پس از این مسئله و همچنین حمله نظامی اسرائیل به ایران یک نوع وفاق ضمنی میان کشورهای عربی منطقه با نیت و

اهداف و شعارهای جمهوری اسلامی در زمینه تکیه بر ظرفیت های منطقه برای ایجاد ترتیبات منطقه ای و دوری جستن از همکاری های سیاسی و نظامی با آمریکا، اسرائیل و غرب ایجاد شده است که زمینه بسیار مناسبی برای کنشگری سیاست خارجی ایران در منطقه را ایجاد کرده است. در مجموع، ایران با اتخاذ رویکردی ترکیبی از تنش زدایی، ابتکارات صلح محور و تقویت دیپلماسی چندجانبه اسلامی، توانسته است تا حدی زمینه ساز کاهش وابستگی امنیتی کشورهای منطقه به قدرت های خارجی شود. با این حال، میزان اثربخشی این سیاست ها همچنان به پایداری اراده سیاسی داخلی، تحولات درون منطقه ای، و نوع واکنش بازیگران رقیب مانند آمریکا، چین و متحدان آن ها وابسته است. استمرار این مسیر مستلزم تقویت انسجام در سیاست خارجی ایران، مدیریت تنش های ایدئولوژیک، و توسعه اعتمادسازی متقابل در سطح منطقه ای است.

پیشنهادهای:

- استفاده بهینه و واقعگرایانه از تقابل و رقابت های تجاری و سیاسی آمریکا و چین و کاهش حضور دو قدرت فرامنطقه ای (خلاء نسبی قدرت) در غرب آسیا و کسب جایگاه منطقه ای برای ایجاد و دفاع از امنیت نظامی و انرژی. جذب سرمایه های چین در قبال تامین امنیت استخراج و تثبیت قیمت نفت و گاز منطقه.
- کمک به ایجاد ثبات و امنیت دریایی در منطقه در قالب حضور گسترده نظامی و ایفای نقش مدافع امنیت در مقابل دزدان دریایی و گروه های تروریستی در دریاهای منطقه
- بهره گیری از فضای دوستانه ایجاد شده میان ایران و عربستان و جذب کشورهای اقماری منطقه همانند امارات و قطر و کویت برای تشکیل ائتلاف های مختلف تجاری، سیاسی و امنیتی در منطقه.
- تاکید سیاستمداران و تصمیم گیرندگان کلان کشور بر بهره گیری از مزیت نسبی موقعیت ژئوپلیتیک ایران و تکیه بر توان موشکی، نظامی (زمینی و دریایی) برای ایجاد ثبات و امنیت در منطقه و ایجاد انگیزه برای کشورهای کوچک منطقه برای پیوستن به اتحادهای مد نظر ج.ا. ایران.
- ایجاد سازوکارهای گفتگوی منطقه ای با حضور کشورهای منطقه برای به وجود آوردن ترتیبات درون زا در منطقه و کاهش نیاز به امنیت قدرت های فرامنطقه ای بیرونی.

فهرست منابع

- Buzan, B., & Weaver, O. (2009). *Regions and Powers: The Structure of International Security*, [Rahman Ghahramanpour, Trans]. Tehran: Research Institute of Strategic Studies.
- Buzan, Weaver, de Wilde.(2013). *A Framework for Security Analysis*. Translated by Alireza Tayeb. Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Cordesman, Anthony.(2003). *Saudi Arabian Enters the Twenty-first Century: The Political, Foreign Policy, Economic and Energy Dimensions*, Westport: Praeger.
- Deni, John R. (2014), *Augmenting Our Influence: Alliance Revitalization and Partner Development*, United States Army War College, Strategic Studies Institute.
- Ehteshami, A., & Hinnebusch, R. (2023). *The New Middle East Order: Beyond American Hegemony*. Routledge. (p. 142)
- Fulton, J. (2020). *Regional Security in the Gulf: The HOPE Initiative and Its Prospects*. Atlantic Council. (p. 57)
- Kamrava, Mehran .(2017). "Iran-Qatar relations", in Bahgat, Gawdat et al., "Security and Bilateral Issues between Iran and Its Arab Neighbors", edited, Macmillan: Palgrave.
- Katzman, K. (2023). *Iran's regional diplomacy and economic opportunities in a multipolar world*. Congressional Research Service, 12–15.
- Mearsheimer, J., & S. M.Walt .(2016). "The Case for Offshore Balancing: A Superior US Grand Strategy", *Foreign Affairs*, No. 95
- Meyssan. T. (2019). *Before Our Very Eyes, Fake Wars and Big Lies: From 9/11 to Donald Trump*, Progressive Press.
- Michael Craig. 2007. *An Examination of Alternative Security Frameworks in the Persian Gulf*. Translated by Khadijeh Heidari. Research Report. Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Lake, David A., Patrick M., Morgan. (2002). *Regional Orders: Building Security in a New World*. Translated by Seyed Jalal Dehghani Firouzabadi. Tehran: Institute for Strategic Studies.
- Lynch, M. (2020). *The Regional Order in the Gulf and Iran's Peace Initiative*. Carnegie Endowment. (p. 6)
- Telhami, S. (2022). *The Abraham Accords: A Fragile Normalization*. Brookings Institute Report. (p. 25)
- Al salloumand, Khaled Abdulaziz and. Tayie, Mohamed Salman, 2018, "The present and future of Kuwaiti-Iranian relations and their influence on the security of the Arabian gulf", *Asian Social Science*, Vol. 14, No. 1
- Al-Rasheed, M. (2023). *The Return of Iran-Saudi Diplomacy*. *Middle East Journal*, 77(2), 215–229. (p. 218)
- Alfoneh, A. (2024). *Iran's strategic leverage in West Asia amid US-China tensions*. *Middle East Review*, 16(2), 5–10. .
- Bown, C. P. (2023). *US-China trade war: Implications for global supply chains*. Peterson Institute for International Economics, 4–9.
- Boustani, M. (2024). *Regional security realignments in West Asia*. *Middle East Policy Journal*, 31(2), 15–20.
- Chaziza, M. (2023). *China's mediation between Saudi Arabia and Iran: Strategic implications*. *Asian Journal of Middle Eastern Studies*, 30(1), 1–10. (p. 6)

- Gause, F. G. (2023). The Reshaping of Saudi Foreign Policy. *Foreign Affairs*, 102(3), 100–109. (p. 102)
- Ghorbani Sheikhneshtin, Arsalan, Sajjadpour, Seyed Mohammad Kazem, Mohammadsharifi, Majid, Ansari, Mehdi. (2024). Political Dynamics of the Middle East Region and US Grand Strategy (2008-2024). *Quarterly Journal of Political and International Research*, Volume 17, Number 59. [In Persian].
- Johnson, M. (2017). The Security Dilemma in the Persian Gulf: Iranian and Western Perspectives. *Security Studies Quarterly*, 9(3), 96-105. (p. 98)
- Jones, T. C. (2023). Saudi Arabia's Post-Abraham Politics. *Middle East Policy*, 30(1), 1–12. (p. 9)
- Niazi, S. (2019). Iran's Regional Naval Strategy and Security in the Strait of Hormuz. *Naval Strategy Review*, 13(1), 108-120. (p. 111)
- Lister, C. (2018). The Iranian Strategy in the Fight Against ISIS. *International Security Review*, 16(2), 154-160. (p. 156)
- Shoaler, R. (2016). Soft Balancing and the New Structure of International Alliances. *International Security*, 30(4), 85–112.
- Staji, Hadi, Jahani Rad, Hojjatollah, Khormai Alam, Mohsen, Gholizadeh Shams Reza, Elmi, Mohammad, 1402, The role of the AJA strategic naval force in supporting the foreign policies of the Islamic Republic of Iran (a case study of the nineties), *Strategic Environmental Journal of the Iranian Academy of Sciences*, Year 7, Issue 1. [In Persian].
- Taleei Hoor, Rahbar, 1400, Requirements for enhancing the Islamic Republic of Iran's activism against American threats, *Defense Policy Quarterly*, Year 34, Issue 1. [In Persian].
- Talei Hoor, Leader, Aali Nasab, Samira, 1404, The role of the United States in escalating tensions in West Asia after the October 7, 2023 operation, *Quarterly Journal of Security Horizons*, Year 18, Issue 1. [In Persian].
- Owen, M. (2018). Iran's Maritime Security in the Persian Gulf. *International Journal of Naval Affairs*, 21(2), 78-89. (p. 82)
- Vakil, S. (2020). Iran's HOPE Proposal: A Viable Framework for Gulf Security? Chatham House Report. (pp. 12–15)
- Websites
- Alterman, J. B. (2024) U.S. Power and Influence in the Middle East (Part Seven). Center for Strategic and International Studies (CSIS), p. 3, 7. <https://www.csis.org/analysis/us-power-and-influence-middle-east-part-seven>
- AP News. (2025). Russia successfully puts an Iranian communications satellite into orbit. Retrieved from <https://apnews.com>
- Guardian. (2025). How Qatar became the global capital of diplomacy. Retrieved from <https://theguardian.com>
- International Affairs. (2024). Saudi-Iran rapprochement and regional security. Retrieved from <https://internationalaffairs.org.au>
- ISPI. (2025). China's role in MENA in light of Ukraine and global rebalancing. Retrieved from <https://ispionline.it>
- New York Times. (9 April 2015). "Kerry says US knew of Iran's military aid to Houthi rebels, available at: <https://www.nytimes.com/2015/04/10/world/middleeast/kerry-us-iran-military-aid-houthi-yemen.html>.
- Walt, S. M. (2025, April 1). Asia Is Getting Dangerously Unbalanced. *Foreign Policy*. <https://foreignpolicy.com/2025/04/01/asia-trump-china-xi-hegseth-japan-south-korea-balance>

Washington Post .(3 August ,2015). “On Kerry visit, Arab nations express support for Iran nuclear agreemen”, available at: <https://www.>

